حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله:

آنکه ساعتی سختی آموختن را تحمل نکند، همیشه در خواری نادانی خواهد ماند.

امام باقر علیه السلام:

ایاک والکسل والضجر، فانهما مفتاح کل شر

از تنبلی و بی­حوصلگی بپرهیز، زیرا که این دو کلید هر بدی­اند.

امام جواد علیه السلام:

در کارها استوار باش تا به نتیجه برسی یا به هدف نزدیک شوی

حضرت علی علیه السلام:

مافات مضی و ما سیاتیک فاین

قم فاغتنم الفرصه بین العدمین

امام سجاد علیه السلام:

اگر مردم بدانند كه در طلب علم چه فايده ايي است آن را مي طلبند اگرچه با خون دل خوردن و فرورفتن در گردابها باشد.

حضرت علی علیه السلام:

آنکه پژوهش را استمرار نمی­بخشد از در ک دانش بی­نصیب است.

امام جواد علیه السلام:

اظهار چيزي قبل از آنكه محكم و پايدار شود سبب تباهي آن است .

علامه طباطبايى مى‏فرمايد:

«اكثر افرادى كه موفق به نفى خواطر شده و توانسته‏اند ذهن خود را پاك و صاف نموده و از خواطر مصفا كنند و بالاخره سلطان معرفت‏براى آنان طلوع نموده است، در يكى از اين دو حال بوده اند:

اول: در حين تلاوت قرآن مجيد و التفات به خواننده آن، كه چه كسى در حقيقت قارى قرآن است و در آن وقت‏براى آنان منكشف مى‏شده است كه قارى قرآن خداست - جل جلاله . -

دوم: از راه توسل به حضرت ابا عبدالله الحسين عليه السلام، زيرا آن حضرت را براى رفع حجاب و موانع طريق نسبت‏به سالكين راه خدا عنايتى عظيم است .

رهبر عزیز انقلاب حضرت آیت­الله خامنه­ای:

«در جمهورى اسلامى، هر جا كه قرار گرفته‌ايد، همان‌جا را مركز دنيا بدانيد و آگاه باشيد كه همه‌ى كارها به شما متوجه است.

... به نظر من بايستى با اين روحيه كار و تلاش كرد و زحمت كشيد؛ در اين‌صورت، خداى متعال به كارمان بركت خواهد داد.»

از بيانات ایشان در ديدار مسئولان سازمان تبليغات اسلامى

05/12/1370

‌

آداب المتعلمين

آداب المتعلمين . رساله ای در تعليم و تربيت بـه عربـی، نوشـته خواجـه نصـير الـدین طوسـی ) 579 -672 ( دانشمند و فيلسوف نامدار ایرانی . شيوه های تعليـم تربيــت از موضــوعاتی اسـت کـه دیربــاز در تمدن اسﻼمی مورد بحث و تحقيق دانشمندان و فيلسوفان بزرگ بوده و آثار متعددی به طور مستقل یا در ضمن آثار دیگر در این باره پدید آمده است .

" آداب المتعلمين " خواجه نصير به رغم ایجاز، از برجسته ترین آثار در این زمينه به شــمار مــی رود . ایـن رساله از همان ایام تـاليف، چنـان شـهرت و مقبوليـتی یافــت کـه به صـورت کتـاب درســی جنبی در مدارس و حوزه های علمی درآمد؛ چنان که در عصــر مـا نيز در " جــامع المقـدمات " ﮐــﻪ از مشهورترین کتب مقدماتی طﻼب علوم دینی است نيز درج گردیده است . خواجه در آغاز رسـاله تصـریح کــرده کـه چون تحصيل علم برای طالبان دشوار آمده و کسانی هـم کـه در ایــن کـار مجاهــدت می ﮐﻨﻨـﺪ ﻣﻤﮑــﻦ است در بسياری موارد بهره چندانی برنگيرند، تﻼش نموده راه و روش علــم آمــوزی را، آن چنانکــه از استادان خویش شنيده یا در کتاب ها خوانده به اختصار بيــان کنـد . وی ایــن رسـاله را بـه دوازده ﻓﺼـﻞ تقسيم کــرده و ﻓﺼـﻞ ﻧﺨﺴـﺖ را بـه بحـث در ماهيـت علـم و برتری آن نســب به دیگــر مشـغله ها اختصاص داده و با استناد به احادیث و بداهت عقل، آن را وسيله نيل به سعادت ابدی و به منزله غذا برای روح دانسته است .

فصل دوم درباره نيت دانش ﺟﻮﺳﺖ ﮐﻪ ﺑﺎﯾﺪ برای رضای حق و نابودی جهل به طلب علم برخيزد و تـا آنجا که می تواند، شوق و کوشش و بردباری نشان دهد . در فصل سـوم بـه بحـث دربـاره چگونگــی انتخاب رشته علمـی و اســتاد و همـدرس پرداختـه و متــذکر شـده کـه ﻻزم اسـت دانش ﺟــﻮ بهتریـن رشته های علمی را که به کار دین و آینده اش بياید، برگزیند و از استادان پرهيزکـاران و دانشــمندان و کهنسال ترین ایشان را انتخاب کند و چون به طلب علم وارد شهری می شود، دو ماهی درنگ کنــد تــا بهترین استادان را بشناسد و آنگاه به گزینش دست زنــد و چــون اســتادی برگزیـد، او را تـرک نگویـد و پایدار بماند تا کار را به انجام رساند . دانش جــو، بـه ویــژه در انتخـاب درس، بایـد از راهنمـایی و تجــارب استاد بهره مند گردد . نيز در انتخاب همدرس باید که سخت هشيار باشد تا کسی را بيابــد کـه دارای طبعی مستقيم و از تنبلی گریزان باشــد و سـخن دراز نگویــد و فتنـه گر و فساد ﮔﺮ ﻧﺒﺎﺷــﺪ . خواجــه در همين فصل تاکيد کرده که طالب علم باید در استنساخ کتاب ماهر باشد .

فصل چهارم در جدیت و همت بر تحصيل است . دانش ﺟﻮ ﺑﺎﯾﺪ که همواره آنچه را خوانده تکرار کنــد و بهترین وقت مرور درسها نيمه شب تا سحر است . همت عالی و جدیت در تحصيل علــم نـير عامــل مهم موفقيت است که اگر در کار نباشد، دانش جو به سر منزل مقصود نمی رسد . خواجه در اینجا، ﭘﺮ خوری و خواب را موجب سستی و تنبلی دانسته و رعایت اعتدال و توجه به پاکيزگی را توصــيه کـرده است .

ﻓﺼﻞ ﭘﻨﺠﻢ به بحث درباره وقت و اندازه و ترتيب اولين درسی که دانشجو می آموزد اختصـاص یافتــه است . خواجه تصریح کرده که مبتدی در آغاز تحصيل، باید بـه انـدازه ای درس گـيرد کـه بتوانـد پــس از دوبار تقریر مجـدد اسـتاد، آن را بفهمـد و یـاد بگــيرد . نـيز در نخسـتين جلســه درس، بایـد بـه تدریــس مطلبی اکتفا شود که آسان تر و به فهم و درک دانش جو نزدیک باشد . متعلم نباید از مطلبی نفهميده بگذرد که این موجب زوال فطانت و استعداد و تضييع وقت می گردد . همچنين، از لــوازم مهـم تحصـيل طرح سئوال و مناظره است به شرطی کــه از تعصـب و خشـم دور باشـد؛ زیــرا منـاظره از تکــرار درس مفيد تر است . پس ﻻزم است دانشجو همواره در دقایق آنچــه خوانـده تامـل کنـد و بــه ایــن کـار خوگـر شود .

ﻓﺼﻞ ﺷﺸﻢ در توکل است . دانشجو باید همت خویش را همه بــه تحصــيل علـم مصـروف دارد و در فکر گـرد آوری رزق و روزی نباشـد کـه ایــن خـود پاداشـی عظيــم دارد و لـذتش بــر همـه لذایذ دنيــوی ﻣﯽ ارزد . فصل هفتم در زمان تحصيل علم است . ﮔﻔﺘﻪ اند : ز گهواره تا گور دانش بجـوی . امـا بهتریـن دوره برای کسب علم روزگار جوانی و مساعدترین اوقـات بـرای تلقيــن و تکـرار سـحر و ميـان دو نمــاز شب است .

فصل هشتم در فایده نصيحت معلم و مهربانی او نسبت به دانشجو است . اهل علم باید مهربـان و پند آموز و دور از حسادت باشد و بکوشد تا دانش جویی ممتاز تربيت کند . دانشجو نيز بایـد از هرگونــه نزاع و دشمنی پرهيز کند و به قهر با مخالفــان نپيچـد و سـف ها را تحمـل کنـد و نسبت به مومنـان بــدگمان نشــود . فصــل نهــم دربــاره شــيوه بهره منــدی و اســتفاده از وقــت و تلمــذ نــزد اســتاد است . دانش جو باید در همـه اوقــات مترصـد آمــوختن باشـد و همـواره قلـم بـه کـار دارد و هــر چـه از دانشمندان می شنود یادداشت کند، تا چيزی را از کف ندهد . ﺑﺎﯾﺪ فرصـت را غنيمت شـمارد و رنـج و خواری را در طلب علم پذیرا باشد . تملق مذموم است جز در طلب علم .

فصل دهم در پرهيزکاری است . هر چه دانش جو پرهيزکـارتر باشـد، دانش انـدوزی بـرایش ســاده تر و فوایدش بيشتر اســت . پرهيزکـاری همچنيــن مــانع پرخـوری پرخوابـی و درازگویــی می گــردد؛ چنان ﮐــﻪ غيبت و مجالست با کســانی کـه سـخن بسـيار می گوینـد باعـث تضــييع عمــر و وقــت اسـت . ﻓﺼـﻞ یازدهم مشتمل است بر بحث در آنچه موجب حفظ یا موجب فراموشی می گردد . ﺑـﻪ ﮔﻔﺘــﻪ خواجــه، مهم ترین عامل تقویت حافظه جدیت در یادگيری و کم خوری و خواندن نماز شب و قرائت قرآن اسـت . مسواک زدن و عسل خوردن و مخلوط کندر و شکر و روزی بيست و یک دانــه کشـمش سـرخ خــوردن حافظه را تقویت می کند و بيماری را از تن می راند . آنچه موجب فراموشــی و ضــعف حافظـه می گــردد ارتکاب گناه، افسردگی و غم دنيا خوردن است که دل را تاریک می گرداند . نيز خوردن خربـزه و سـيب ترش و نگاه به کسی که به دار آویخته شده و خواندن کتبه قبور در ایجاد فراموشی مؤثر است .

در فصل دوازدهم ، از آنچه موجب فراهم آمدن یا از کف رفتن رزق و روزی است و آنچه عمر را کوتاه یا دراز می کند سخن رفته است . خواجه در اینجا پس از ذکر حدیثی از رسول اکرم ) صلی ﷲ عليـه و آله و سلم ( در این باره که دعا روز و روزی را و نيکی و پرهيزگاری عمـر را افــزایش می دهــد، آورده کــه ارتکاب گناه به ویژه دروغ گویی، موجـب فقــر و تنگدسـتی می گــردد و خوابيدن در صــبح روزی را زایـل ﻣﯽ ﮐﻨﺪ . وی سپس به ذکر موارد بسياری از کارهایی که موجب کـاهش عمـر و تنگدسـتی می گــردد پرداخته و در این باب به " طب النبی " اثر شيخ " ابوالعباس مستغفری " استناد جسته است .

رساله " آداب المتعلمين " عﻼوه بر چاپ سنگی در حاشيه رساله " الهدایة فی النحو ) " مندرج در جامـع المقدمات ( به تصحيح یحيی خشــاب د رکتـاب " نصـوص الدراسـتة فــی الحـوزه العلميـه " نـيز بــه چـاپ رسيده است .